

● نقد و معرفی کتاب

جهانی شدن در بوته‌ی آزمون: وضعیت بشر و

تمدن اطلاعاتی

Farhang Rajaei, "Globalization on Trial: The Human Condition and the Information Civilization. (IDRC, Canada & Kumarian Press, 2000) USA, pp 150.

علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان مباحث جهانی شدن و پی‌آمدهای آن بر روابط بین‌الملل توصیه می‌شود.

در پیشگفتار با اشاره به تغییرات صورت گرفته در شرایط زندگی انسان پس از دهه‌ی ۵۰ و پیش‌بینی‌های به عمل آمده در مورد شکل‌گیری دهکده‌ی جهانی در پی پیشرفت ارتباطات، تحقق این دیدگاه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. فرآیندی که در نتیجه‌ی پیدایش شبکه‌ی ارتباطات جهان‌گستر "جهانی شدن" نام گرفته است. کتاب، پرسش اساسی خود را به چگونگی ارتباط و ارج‌گذاری متقابل در بین انسان‌ها در عصر کنونی معطوف نموده است. مفروضه اساسی کتاب این است که ترکیب پدیدارهایی چون فروپاشی نظام دوقطبی در

بحث در مورد پدیده‌ی جهانی شدن، جریانی رایج و امروزی در نگاه نظریه‌پردازان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی است و دیدگاه‌های مختلف و با یکدیگر ناسازگار فراوانی نیز در مورد آن تاکنون عرضه شده است. کتاب پیش رو که در ۵ فصل، با یک دیباچه و یک پیش‌گفتار در ۱۵۰ صفحه تهیه شده است، تلاشی برای ارائه‌ی یک نگرش چند وجهی، واقع‌بینانه و پرهیز از منحصرخواهی یک‌الگوی توجیهی مسلط در نگاه به پدیده‌ی جهانی شدن می‌باشد و در این راه با بهره‌گیری از منابع متنوع در مورد این موضوع در مسیر یاد شده حرکت نموده است. از این رو کتاب‌شناسی مفیدی در زمینه‌ی جهانی شدن و موضوعات مرتبط با آن نیز ارائه کرده است. مطالعه‌ی این کتاب به

زمینه‌ساز به وجود آمدن اینترنت گردید، می‌باشد. مهم‌ترین نکته در این عرصه همراه شدن ابزارهای ارتباطات با فن‌آوری پردازش اطلاعات بوده و نتیجه‌ی آن دگرگونی شیوه‌ی تولید صنعتی دوره‌ی مدرن و پدیدار شدن شیوه‌ی تولید اطلاعات می‌باشد. اینک وضعیت انسان در پایان هزاره‌ی دوم ملهم از این "آفرینش تازه" با عنوان ابهام آمیز جهانی شدن است. جهانی شدن یک "فرآیند" و در نقطه‌ی مقابل "برنامه‌ی" از پیش طراحی شده قرار دارد.

رهیافت مورد توصیه در این فصل برای فهم جهانی شدن "رهیافت تمدنی" با شیوه‌ی عمل بین رشته‌یی و "ترکیبی-همگرایی" است. همگرایی بین سه گونه خردورزی پست مدرن، اصالت سود و بنیادگرایانه که آمیزه‌یی از علوم مختلف در حوزه‌های هنر، مردم‌شناسی، ارتباطات، اقتصاد، تاریخ، روابط بین‌الملل، فلسفه و نظریه‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی را برای فهم وضعیت کنونی بشر در برمی‌گیرد.

فصل ۲- نظریه‌ی جهانی شدن

در این فصل با اشاره به نبود تعریف و برداشت قطعی و مشخص در مورد وضعیت کنونی و آینده‌ی جهانی شدن، رهیافت‌های

جهان، رخداد انقلاب اطلاعاتی و سربرآوردن اندیشه‌ی پست مدرنیسم به دور تازه‌یی از رویدادها انجامیده که چارچوبه‌های تحلیلی موجود جوابگوی پی‌آمدها و دگرگونی‌های ناشی از آنها نیستند. از این رو وضعیت کنونی نیازمند شیوه‌ی نگرشی فراتر با در نظر گرفتن هر دو ویژگی تحول و استمرار است که با ایجاد سازواری برای حکومت جهانی و بهره‌گیری از فرصت‌های به وجود آمده، پاسخ‌های مناسب به پدیده‌ی جهانی شدن ارایه نماید.

فصل ۱- آفرینش تازه

در این فصل، با اشاره به گفته‌هایی از ابن خلدون در مورد دگرگونی‌ها و آشفتگی‌های به وجود آمده در عصرهای مختلف که آفرینش‌های تازه و نقطه‌ی پایان تمدن پیش از خود و آغاز عصر تازه به حساب می‌آیند، عصر کنونی را در همین راستا ارزیابی نموده است. هم‌چنین رنگ باختن مشروعیت و کارایی نظام وستفالیایی دولت-کشورها و لرزان شدن ساختار هژمونیک و نظام موازنه‌ی قدرت، نظم جهانی تازه‌یی را به وجود می‌آورد.

نقطه‌ی آغاز این زنجیره‌ی رخدادها سال ۱۹۸۹ در نظر گرفته شده که هم‌زمان با فروپاشی دیوار برلین و برخی رویدادهای مهم دیگر به ویژه پایه‌گذاری شبکه‌ی جهان‌گستر^۱ که

1. World-Wide Web.

مورد جهانی شدن، هواداران اقتصاد آزاد برایین باورند که وابستگی متقابل اقتصادی به همگرایی اقتصادهای ملی در یک اقتصاد واحد جهانی (در چارچوبی سرمایه‌داری بازار آزاد) انجامیده است و به نظر آن‌ها سرمایه‌داری غرب یا "بازار آزاد جهانی" خود بر "مهندسان اجتماعی" فایز آمده و آینده را در دست خواهد گرفت. در همین زمینه ساختار تولیدات جهانی از شکل درون مرزی و ملی‌گرایانه آن موسوم به خط تولید فوردیسم به شکل نامتمرکز و برتری مزیت نسبی در اقتصادهای موضوعی و تقسیم کار بین کشورها تغییر گرایش می‌دهد.

پ - رهیافت فرهنگی، تلقی پایان واقعیت عینی. این رهیافت با نگرش انتقادی به رویارویی چارچوبی تحلیلی مدرنیسم با بحران ناشی از جهانی شدن و گشوده شدن راه بر روی فرامدرنیسم و شالوده شکنی چارچوبها و نظریه‌های گذشته می‌پردازد. انتقادی که از موضع ضد روشنگری، مدرنیسم را بدون اقتضا و ادعای استوار بودن آن بر پایه‌ی استدلال، خرد و منطق را ناروا دانسته و این که مدرنیسم در عمل از چندگانگی فرهنگی گریزان و به سرکوبگری گرایش دارد. تلقی هواداران این رهیافت شناخت نسبی و هم‌ردیف بودن همه‌ی شناخت‌ها از حقیقت با یکدیگر است.

ت - رهیافت مذهبی و دنیوی، پایان جستار

گونگون در مورد آن را بررسی نموده است.

الف - رهیافت سیاسی و پایان مدنیت. طرح بحث نظریه‌پردازان خوش‌بین (چون فوکویاما) که پایان جنگ سرد را با پیروزی نهایی سرمایه‌داری و سیاست‌های کثرت‌گرایانه‌ی لیبرالی و پایان تاریخ همراه دانسته و لیبرال دموکراسی غرب را شکل نهایی حکومت‌ها تلقی می‌نمایند. هم‌چنین از نگاه بدبینانه‌ی کسانی چون کاپلان و هانتینگتون این وضعیت در پی فرو ریختن نظام و ستفالیایی دولت‌ها به پایان مدنیت می‌انجامد. از این منظر جهانی شدن فرصت‌هایی را برای بازیگران تازه، حتی آن دسته از آنها که ارزش‌های بنیادین نظام دموکراتیک را پاس نمی‌دارند، فراهم آورده که زکریا این وضعیت را "پیدایش دموکراسی‌های غیرلیبرال" (چون دموکراسی‌های عوام سالار به جای نظام‌های کثرت‌گرا) می‌خواند. بنا به نظر هانتینگتون نیز حوزه‌های تمدنی - چین، ژاپن، هند، اسلام، غرب، ارتدوکس روسیه، امریکای لاتین و افریقا، در نظام پس از جنگ سرد عرصه‌ی برخوردها در قالب سیاست و فرهنگ‌ها خواهند بود، نظامی که در آن دستیابی به مصالحه اگر ناممکن نباشد، دشوار خواهد بود.

ب - رهیافت اقتصادی، تلقی از پایان جغرافیا. در این بخش از دیدگاه‌های فراگیر در

این صورت‌گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های ناسازگار با یکدیگر هم‌زمان درکنار هم لحاظ می‌شوند.

فصل ۳- پدیدار شدن تمدن اطلاعاتی

در این فصل تغییر یافتن شیوه‌ی اداره‌ی امور جوامع در نتیجه‌ی یگانگی بین فن‌آوری ارتباطات و پردازش داده‌های رایانه‌ی مورد توجه قرار گرفته است که تأثیر آن را در شیوه‌ی تولید در عصر جهانی شدن می‌توان دید. نماد اصلی این تغییرات تغییر یافتن ارزش کالایی مواد خام به تولید اطلاعات دیده می‌شود و در قالب‌های زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف - جامعه‌ی تکنولوژیک. جوهره‌ی تغییرات در خودنمایی فن‌آوری به عنوان روش زیستن انسان و تلقی از آن به عنوان متافیزیک واقعی در سده‌ی بیستم بروز یافته است. در جریان انقلاب صنعتی و در عرصه‌ی حکومت پرسش "چه کسی باید فرمان براند؟" به "چگونه باید فرمان راند؟" متحول شده است. در قلمرو اقتصاد نیز به جای پرسش "چه چیزی باید تولید شود؟" به "چگونگی بهترین بهره‌برداری از منابع" پرداخته می‌شود. در این راستا جهانی شدن نیز با برخورداری از تمام ویژگی‌های تکنولوژیک گفته شده به جامعه‌ی تازه و در برگزیده‌ی کل جامعه‌ی بشری از لحاظ جغرافیایی و تمامی دیگر جنبه‌های زندگی چون

و پژوهندگی، باورمندان مذهبی (بنیادگرایان اسلامی) و غیرمذهبی‌ها (مارکسیست‌ها) نیز در برابر جهانی شدن موضع‌گیری کرده‌اند. از نگاه این دو گرایش فکری هم اینک تغییر خاصی رخ نداده، حق، باطل، فرودست و سرکوبگر هم‌چنان در جایگاه خود برقرار هستند. جهانی شدن نیز به عنوان چهره‌ی نو از استعمار با برتری تکنولوژیک و ارتباطات درخندت سرمایه‌داری جهانی است.

ث - سنجش چارچوبه‌های تحلیلی گفته شده. در نقد رهیافت‌های یاد شده شیوه‌ی همگی آنها انحصارگری و یک‌جانبه‌نگری نسبت به تجربه‌ها، نیازها و تقاضاهای دیگر نظرات دانسته شده است. این که منطق درونی رهیافت‌های یاد شده با اشکال رویه‌رو هستند و همگی آنها جهانی شدن را در جهت فرساینده بودن نسبت به سیاست تلقی می‌نمایند و از این نظر راه افراط را طی می‌کنند. در حالی که خودشان یکایک به استمرار سیاست و اعمال آن حتی از راه انحصارطلبی اذعان دارند. پیشنهاد مطرح در این بحث گشودن راه بر روی طرح رهیافت تمدنی و بازسازی سیاست است. روشی همگرایانه و ترکیبی که حقیقت را پس‌دیده‌ی چندلایه دانسته و لازمه‌ی مهم جهانی شدن را آمیزه‌ی از نگرش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عنوان می‌کند. در

متفاوت در نظر گرفت. جهانی شدن با وجود برخورداری از قدرت رهایی‌بخش، آسان‌گیر، بدون نظم مشخص و مطلق نیست.

ت - کثرت‌گرایی سیاسی، چندجانبه‌گرایی. تفاوت عمده‌ی حکومت و حاکمیت در عصر مدرن (موسوم به نظام وستفالیایی) و دوره‌ی جهانی شدن (کثرت‌بازیگران بین‌المللی) در رنگ باختن حاکمیت سنتی است.

ث - کثرت‌گرایی اقتصادی، مشارکت در تولید. در این زمینه به چگونگی سقوط نظام برتن وودز و پایان شاخص بودن دلار امریکا، گسترش تجارت آزاد و مهم‌تر از آنها، پدید آمدن مشارکت در تولید و در نتیجه‌ی آنها ایجاد قواعد نوین بازی در عرصه‌ی اقتصادی پرداخته می‌شود. ذکر این نکته که حجم ۸۰۰ میلیارد دلار برابر با ۳۰٪ تجارت سالانه‌ی جهانی در امر مشارکت تولید اختصاص یافته است.

ج - کثرت‌گرایی فرهنگی، چندگانگی فرهنگی. در این قسمت جایگزینی تساهل مورد توصیه در دوره‌ی مدرنیته که بر تمایز تاکید داشت (و در عین حال مدارای خود نسبت به دیگری را تجویز می‌نمود)، با چندگانگی فرهنگی به عنوان هنجار غالب عصر جهانی شدن مورد بحث قرار گرفته است. جهانی شدن اعتبارهمه‌ی ادعاها نسبت به حقیقت را به شیوه‌ی خارق‌اجماع با حفظ

اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حتی اخلاق، انجامیده است.

ب - انقلاب اطلاعاتی. جامعه‌ی فراصنعتی که دانسیل بل جامعه‌شناس در سال ۱۹۷۳ سربرآوردن آن را پیشگویی نمود، سه ویژگی ۱. تغییر تولید از کار به خدمات، ۲. تمرکز بر قانون‌مندی دانش نظری برای نوآوری در فن‌آوری و ۳. پدید آوردن فن‌آوری فکری در خدمت تحلیل سیستم‌ها و نظریه‌های تصمیم‌گیری را در برمی‌گرفت. اینک همین جنبه‌ها وجه غالب شکل‌دهنده‌ی به عصر کنونی به صورت جامعه اطلاعاتی هستند. نمودهای روشن جامعه فراصنعتی این است که در آن دانش کالای اصلی بازار مبادله است.

پ - نموده‌های تمدن نوین. جهانی شدن با افزایش شمار بازیگران در عرصه‌ی عمومی، ایجاد مراکز چندگانه‌ی قدرت و تنوع بازیگران در عرصه‌ی بین‌المللی جهانی، تمرکز زدایی در اقتصاد و راه را برای تولید کنندگان چندگانه از راه مشارکت در تولید باز کرده است. در زمینه‌ی فرهنگی، موازین غیرغربی نیز در قالب چند فرهنگی اهمیت یافته است. جهانی شدن فرا روایت عصر مدرنیته را لرزان ساخته و راه‌های گوناگون برای دسترسی به حقیقت را امکان‌پذیر ساخته است. جهانی شدن را نباید فرصتی برای انتقام‌گیری بلکه باید زمینه‌ی لازم برای یک آغاز

فصل ۴- آینده‌ی حکومت جهانی

جهانی شدن با ایجاد دهکده‌ی جهانی ناشی از ارتباطات نوین، هم‌زمان بر قلمروهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی تأثیرگذار بوده و چالش‌هایی را پیش روی نهاده است که به شکل‌های زیر تعریف می‌شوند:

الف- چالش‌ها- چالش‌های جهانی شدن
رامی‌توان در عرصه‌های نظری و عملی مورد توجه قرار داد. بزرگ‌ترین چالش جهانی شدن در قلمرو نظری ایجاد جهان به هم پیوسته بوده است. درعین حال که مفاهیم سنتی ملی‌گرایانه و تلقی‌ها نسبت به دیگران به عنوان غیرخودی هم‌چنان پابرجا هستند. از این رو مهم‌ترین چالش موجود در عرصه‌ی جهانی شدن پردازش یک نظریه برای دربرگیری "دیگران" بدون یکسان‌سازی آنها در یک مجموعه‌ی عقاید و کردارها است. در بخش عملی نیز مهم‌ترین چالش جهانی شدن گرایش آن به تحلیل بردن مرزها و تشویق افراد به پیروی از نیازهای جذب در بازارها می‌باشد.

ب - پاسخ‌ها- دوگونه پاسخ رامی‌توان در برابر آفرینش‌های تازه متصور بود. در مورد تحولات مدرنیسم سازگاری کامل (نمونه‌ی آن ایران زمان رضاشاه و ترکیه زمان اتاتورک) و نادیده گرفتن مطلق آن (نمونه‌ی گفتنی لودیت‌ها در انگلیس و آمییش‌ها در امریکا) مطرح بوده

وحدت در قالب دهکده‌ی جهانی و بومی شدن و حفظ هویت محلی راممکن می‌سازد.

ج - عرصه‌ی عمومی جهانی، اینترنت. در اینجا گفته می‌شود که هدف از زندگی اجتماعی بالا بردن کیفیت زندگی بشر و معنی بخشیدن به آن از راه حوزه‌های عمومی است. معنی بخش بودن عصر مدرنیته در سه جلوه‌ی خردورزی جهانی، هویت ملی، صنعت و سرمایه‌داری خلاصه می‌شد. اینک جامعه‌ی مدنی در پرتو جهانی شدن و مستقل از وضعیت دولت‌ها رشد می‌کند.

ح - برخورد یا گفت وگویی تمدن‌ها. در اینجا بحث از این است که تعیین کنندگان شرایط یک مناظره، گفتمان مسلط را هم رقم می‌زنند. نگرش‌های خوش بین و بدبین هر دو در ایجاد چارچوبه‌ی تحلیلی مؤثر در جامعه نقش داشته‌اند. نگاه بدبینانه‌ی هانتینگتون در مورد برخورد تمدن‌ها که فرهنگ را پیرو سیاست و قدرت می‌داند همسان با پیش‌بینی مالتوس در سده‌ی نوزدهم در مورد شمار جمعیت زمین بوده است. در اینجا هم چنین تمایز بین تسلط و برتری (در قالب جهانگیر شدن) و دولت‌مداری، اداره نمودن و تمدن (با عبارت جهان‌داری) معنا می‌یابد. برخورد تمدن‌ها حالت نخست و گفت‌وگویی بین آنها حالت دوم است که به مفاهیم، یادگیری و رشد متقابل می‌انجامد.

فصل ۵- نتیجه‌گیری

در این فصل نتیجه‌گیری شده است که جهانی شدن آفرینشی تازه به وجود آورده و برداشت‌ها را نسبت به زمان و مکان تغییر می‌دهد اما سرشت بشریت، نگرانی‌ها و مصایب وی را متحول نمی‌کند. در عین حال جهانی شدن پایان تاریخ هم نیست. جهانی شدن چالشی تازه پیش روی بشر است که پاسخی نوین و متناسب با خود را طلب می‌کند. به دیگر سخن جهانی شدن نه یک فاجعه است و نه یک آرمان شهر، بلکه یک دوره‌ی تازه با ویژگی‌های مخصوص به خودش می‌باشد.

احمد صادقی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

است. هم‌اینک در برابر جهانی شدن نیز واکنش‌های این چنین دیده می‌شود. درحالی که پاسخ متناسب در گرو هوشیاری و تدبیر و لحاظ نمودن عامل استمرار و تغییر به طور هم‌زمان و داشتن ابتکارهای سازنده با بهره‌گیری از عقل سلیم می‌باشد.

از دیدگاه نظری نیز باید چارچوبه تازه‌یی برای دیگران به دست داده شود به گونه‌یی که جنبه‌های بومی و جهانی را با یکدیگر ترکیب نماید و با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی و خاص هر مورد، همه‌ی آنها را در برگیرد. از این رو است که به نهادهای برقرار کننده‌ی ارتباط بین دولت‌ها، افراد و جامعه‌ی مدنی جهانی نیاز خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙهه ښکاره علوم انساني و مطالعات فرهنجی
پرتال جامع علوم انسانی